

قصر شیرین - با وجود ریزش باران شدید مردم رفتن شاه را با تظاهرات شادمانه جشن گرفتند و خانه‌های کاظم پوچانی و عبدالرضا مداحی شهدای اخیر را غرق گل کردند.

لاهیجان - مردم با پخش خبر رفتن شاه دست به تظاهرات شادمانه زدند و بنای یادبود وسط میدان را خراب کردند.

اصفهان - در پی انتشار خبر خروج شاه از کشور، مردم اصفهان به پایکوبی در خیابانها پرداختند و گز و شیرینی بین مردم توزیع کردند.

به دنبال تظاهرات مردم، آیت‌الله طاهری طی اعلامیه‌ای مردم را به آرامش و حفظ نظم دعوت کردند از سوی دیگر به دعوت روحانیون، جامعه معلمان اصفهان مأمور حفظ نظم در شهر و نظارت بر توزیع عادلانه نفت و بنزین در شهر شدند و یک گروه ۲ هزار نفری که دانشجویان و دانش‌آموزان نیز در آن شرکت دارند انتظامات شهر را به عهده گرفت.

فولاد شهر - روز گذشته مردم فولادشهر که سابقاً آریاشهر نامیده می‌شد، دست به راهپیمایی و تظاهرات آرام زدند و آیت‌الله طاهری برای مردم سخنرانی کردند.

## شاه: اوضاع ایران رو به بهبود است

آسوان - خبرگزاری فرانسه - شاه ایران پریروز در جواب سؤال یک روزنامه‌نگار آمریکایی در آسوان گفت که:

«اوضاع ایران پس از ابرهایی که آسمان آنرا تیره کرده بود رو به بهبود رفته است.»

شاه ایران اضافه بر این جمله که نخستین اظهارات او پس از ترک ایران است، هیچ چیز دیگر بیان نکرده و این جمله رابه روزنامه‌نگاری آمریکایی که از اطرافیان جرالدفورد رئیس جمهور سابق آمریکا بود اظهار داشت:

دیوار سکوتی که فعالیت‌ها و طرحهای آینده شاه ایران را در برگرفته بود روز پنجشنبه با اظهاراتی از طریق منابع نزدیک به ریاست جمهوری مصر شکسته شد. این منابع گفتند که شاه روز یکشنبه یا دوشنبه آسوان را بقصد رباط و آمریکا ترک خواهد کرد. این منابع گفتند که «شاه دعوت سلطان حسن دوم پادشاه مراکش را که توسط سفیر این کشور در مصر تسلیم او شده پذیرفته است.»

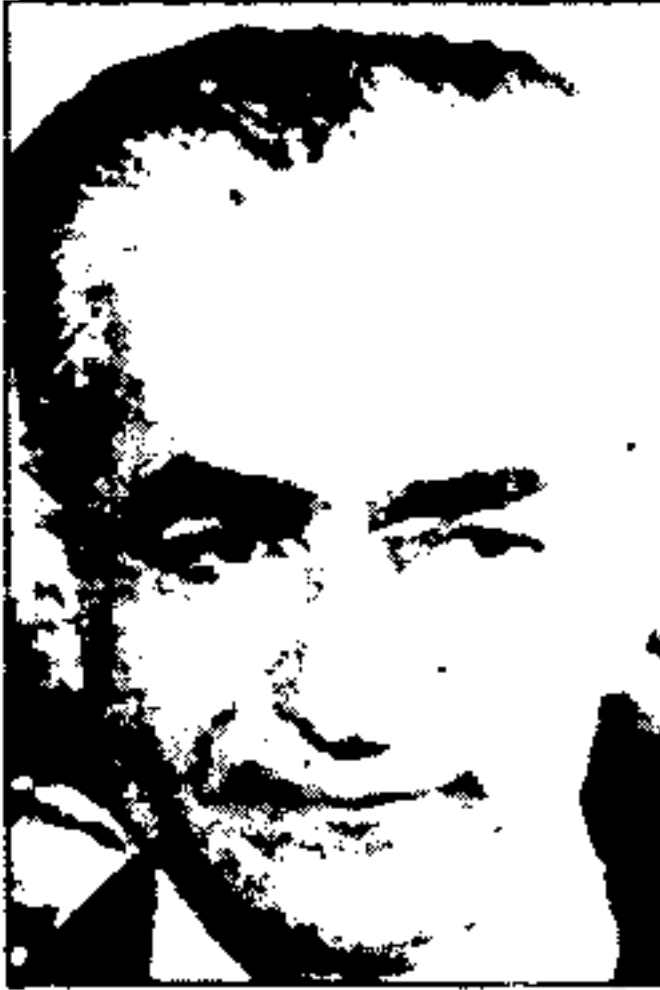
در هتلی که شاه ایران و همچنین پرزیدنت انورسادات و جرالدفورد رئیس جمهور سابق آمریکا در آن اقامت دارند گفته می‌شود که هتل نامبرده از آغاز هفته جاری خواهد توانست مشتریان عادی خود را بپذیرد

جزیره‌ای که این هتل در آن واقع شده از روز سه‌شنبه گذشته در محاصره نیروهای امنیتی مصر است که تمامی مدخلهای آنرا زیر نظر دارد.

هربار که شاه برای قدم زدن به باغچه‌های پیرامون هتل می‌رود عکاسان که بطور محدود اجازه عکاسی دارند بسوی او هجوم می‌برند درحالیکه روزنامه‌نگاران بیصبرانه منتظر کوچکترین فرصتی هستند تا بتوانند با او صحبت کنند ولی تاکنون این فرصت بدست نیامده است.

در جریان مذاکرات دربسته‌ای که بین سادات و فورد پریشب انجام شد چندین بار برق قطع شد و مأموریت نیروهای امنیتی را مشکل کرد. شاه که در بعدازظهر با سادات و فورد درباره اوضاع منطقه مذاکره کرده بود بعداً نیز به آن دو پیوست و هر سه همراه

با همسران خود شام صرف کردند.



اشک در آخرین لحظات

آخرین دقایق در فرودگاه مهرآباد



# همدستان شاه سابق

## تیرباران شدند

اولین گروه  
اعدام  
شدگان:

زوالها،  
هنگام ورود  
به دادگاه  
شدن خود  
را با صدا  
بودند

کمیته  
فوق العاده  
عدالت  
شماره ۱۰۰  
تاسیس ۱۳۵۲

نصیری،

خسرو داد،

رحیمی،

ناجی

چند تن از خانواده های شهدا ناظر  
محاکمه و اعدام معکومین بودند

● هویدا، ربیعی، جواجه بوری  
به احتمال زیاد امروز محاکمه  
میشوند

● نماینده حاکم شرع، قضات  
دادگستری و شهود عینی  
در دادگاه حضور داشتند



نصیری، یکی از متهمین در محاکمه



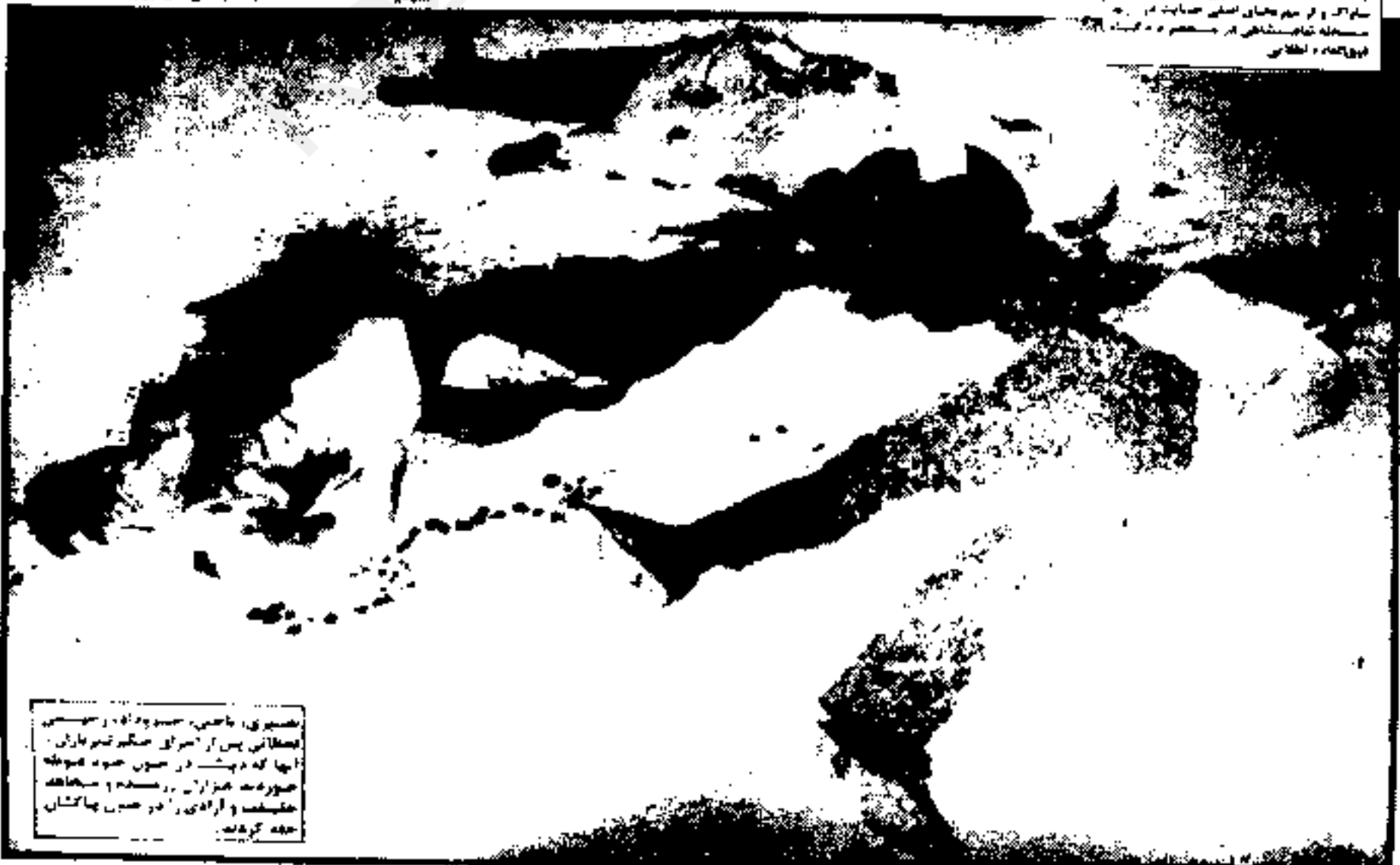
خسرو داد، یکی از متهمین در محاکمه



رحیمی، یکی از متهمین در محاکمه



از پشت محاکمه نصیری، ربیعی و جواجه بوری  
شماره ۱۰۰ در محاکمه ایستادند. در  
مسئله شاهنشاهی در محاکمه و اعدام  
فوق العاده اطلاق



نصیری، ناجی، خسرو داد، رحیمی  
اصلاً پس از اجرای محاکمه تیرباران  
نشدند. در محاکمه حضور خود  
صورت دادند. همسران، خواهران  
حقیقت و آزادی را در محاکمه  
حرف کردند.

## مصاحبه اختصاصی شاه مخلوع با خبرنگار انگلیسی

آسوشیتدپرس - نیویورک - دیوید فراست روزنامه‌نگار معروف انگلیسی هفته گذشته یک مصاحبه اختصاصی با شاه مخلوع برای شبکه تلویزیونی ا.بی.سی انجام داد. شاه در پاسخ خبرنگار انگلیسی درباره عکس‌العملش راجع به تصمیم سازمان ملل متحد درباره سرنوشت وی گفت:

«سازمان ملل متحد اعتبار خود را از زمان تسخیر مجارستان از دست داد و این تنها مورد عدم اعتبار این سازمان نیست بلکه موارد بسیار دیگری از جمله کشتار مردم کامبوج، هزاران نفر از مردمی که در قایق‌ها روی آب سرگردان هستند و خیلی مسائل دیگر. این سازمان بدون حرکت است، حال چگونه می‌خواهد که در مورد یک شخص تنها و بی‌دفاع مثل من دست به اعمال قدرت بزند.»

شاه درباره بازگشتش به ایران گفت:

«آنها کی هستند که می‌خواهند مرا محاکمه کنند؟ اگر قرار باشد من محاکمه شوم آنها خودشان اول باید بیای میز محاکمه بروند. اگر ما در یک دنیای جدی و قانونی زندگی می‌کردیم کسانی را که رأی شورای امنیت، سازمان ملل متحد و رأی دیوان ----- را رد می‌کنند باید بیای میز محاکمه کشیده شوند. آنها که به هیچ قانون بین‌المللی احترام نمی‌گذارند و برای افکار عمومی در جهان ارزشی قائل نیستند باید بیای میز محاکمه بروند. آنان که هزاران هزار انسان را به زندانها انداخته و یا کشته‌اند، آنان را چه کسی می‌خواهد محاکمه کند؟»

محمدرضا، درباره ثروتش گفت:

«خیلی‌ها فکر می‌کنند من دارای ثروت زیادی هستم. ثروت من از خیلی از میلیونرهای آمریکایی کمتر است و بدان مقدار که می‌گویند نیست. یک روز من به یکی از همین افراد گفتم که چقدر دارائی من را می‌خرد؟ با کمال صراحت می‌گویم که حاضرم تمام دارائی خود را ۲۵ تا ۵۶ میلیارد دلار بفروشم.»

شاه مخلوع درباره سرنوشتی رژیمش اظهار داشت:

«حدود دو سال پیش من از طریق دو منبع نزدیک به شرکتهای نفتی مطلع شدم که رژیم داخل ایران عوض می‌شود و دلیل آن هم این است که در سال دوم کنسرسیوم، قرارداد خرید نفت از ایران را جدی نگرفت و هیچگاه بطور جدی با ما وارد مذاکره نشد. آنها نقشه‌ای داشتند که برای بالا بردن قیمت نفت در دنیا میزان تولید را کاهش دهند و به همین جهت مجبور بودند که یک کشور را برای برآورده ساختن منظور خود در نظر بگیرند و آن کشور ایران بود. ایران در آن زمان ۵/۶ میلیون بشکه در روز تولید نفت داشت که اکنون کاهش زیادی پیدا کرده است، پس معلوم است که حدس من درست است و کشور مورد نظر آنان ایران بود.»

شاه سابق درباره حمایت ایالات متحده آمریکا از خودش اظهار داشت:  
 «من فکر می‌کنم اگر آمریکا و انگلستان به جای این که بگویند صد در صد پشتیبان شاه هستیم، ما را به حال خود می‌گذاشتند و در امور داخلی کشور من دخالتی نمی‌کردند بهترین کمکی بود که امکان داشت در جهت بقاء رژیم من انجام دهند.»

وی نظر خود راجع به آیت‌الله خمینی را چنین بیان داشت:  
 «آیا شما فکر می‌کنید که خمینی دارای تحصیلات و فکری است که بتواند درباره همه این مسائل تصمیم بگیرد؟ اگر شما به او بگوئید که در «جو» پروتئین هست یا خیر چیزی نمی‌داند و چنین شخصی چگونه می‌تواند چنین سازماندهی در جهت برانداختن یک سیستم بدهد؟ پس مسلماً این خود او نبود که رژیم مرا سرنگون کرد.»

محمد رضا در مورد کشتار صد هزار انسان در طول سلطنتش اظهار داشت:  
 «من متعجبم که چگونه این رقم به دست آمده است و چطور اینها این تعداد را شمرده‌اند. این برای من خیلی خیلی عجیب است که چنین دروغ بزرگی را به من نسبت می‌دهند. تعداد افرادی که در زندانهای رژیم من شکنجه شدند به صدها نمی‌رسد و شاید در همین حدود یا کمتر باشد.»

شاه مخلوع در پاسخ این که اشتباه وی در این بود که آیت‌الله خمینی را از عراق (محل

تبعید او) مجبور به مسافرت به پاریس (جایی که قابل دسترسی‌تر برای رسانه‌های گروهی بود) نمود گفت:

- «من هنوز هم فکر می‌کنم که تبعید روحانیون، زمانی که تحمل آنان خیلی مشکل می‌شود بهترین راه حلی است که می‌توان در پیش گرفت و از آنان مؤدبانه خواست که به یک مسافرت بروند.»

«فراست» در میان سخنان او گفت، به شرطی که این مسافرت برگشت نداشته باشد و شاه پاسخ داد:

- «بله این بهتر است ولی این بار این مسافرت برگشت داشت.»

شاه مخلوع همچنین گزارشهای مبنی بر کمکهای مادی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری نیکسون و جerald فورد تکذیب کرد و گفت:

- «حرفهای غریبی می‌زنید.»

شاه مخلوع همچنین در این مصاحبه اعتراف نمود که مأموران اطلاعاتی وی (ساواک) در ایالات متحده، کلیه فعالیت دانشجویان ایرانی را زیر نظر داشتند و گزارشات مفصلی درباره ارتباطات، جلسات، تظاهرات و فعالیتهای ضد رژیم آنان به تهران می‌فرستادند. او ضمن اعتراف به وجود شکنجه در دوران سلطنتش اظهار داشت که از سال ۱۹۷۶ قانوناً شکنجه در ایران تعطیل شده بود ولی ادامه آن به دلیل سلیقه‌های شخصی مأموران بود که با زندانیان در تماس بودند.

خبرنگار انگلیسی که این مصاحبه را با شاه نمود در دنباله مصاحبه خود حال وی را پس از عمل جراحی کاملاً خوب و رضایتبخش توصیف نمود!

توضیح کیهان:

در حاشیه خرده فرمایشات شاه سلطان حسین اکبر! آقامحمدخان پهلوی:  
مصاحبه فوق را خوب خواندید، یادتان می‌آید که در دوران کودکی وقتی پسر بچه‌ای از کوچه‌ای یا گورستانی تار و تاریک عبور می‌کرد و داشت از ترس زهره ترک می‌شد تنها راه علاج و جلوگیری از زهره ترک شدن را در این می‌دید که شروع کند به آواز خواندن؟! البته با تردید و با زیر و بم، به نحوی که اگر صدائی از جانی دیگر بلند شد نیز بشنود. اکنون این مردک سفیه که کم‌کم

نیازمند قیم می‌شود از شنیدن فریادهای «اعدام باید گردد» دارد زهره ترک می‌شود و طبیعی است که وقتی آدمی می‌بیند و خبرنگاری پیشش می‌رود می‌زند زیر آواز.

البته در گذشته‌های پر آوازه‌شان هم ایشان از این آوازا سر می‌دادند اما آن زمان هر صدایی و حرفی و بوقی بلند بود همه می‌گفتند: «این همه آوازا از شاه بود.» ولی امروز نزدیکان وی در غرب می‌گویند: «این همه آوازا از ته بود.» بیچاره مرد فقیر که هنوز نمی‌داند ۲۵ میلیارد دلار دارد یا ۵۶ میلیارد! و بنام این بوق نبوغ و این هوش بی‌در و پیکر را که سرپیری و خرفتی چه چیزها که استفراغ نمی‌فرمایند. عرض می‌کنند که رهبران انقلاب ایران نمی‌دانند در «جو» پروتئین هست یا نه و بنابراین قادر به رهبری مبارزه نبوده‌اند! هر چند این فرمایشاتی که بیشتر ناشی از حالات و ترشحات غده‌های درونی بیمار بعد از عمل است جوابی ندارد اما همینقدر باید گفت: آنها به این کاری نداشتند که در جو پروتئین هست یا خیر، اما آنها این حقیقت را به خوبی می‌دانستند که هر چه «پروتئین» در ایران بوده وارد معده‌های کثیف سلسله پهلوی شده و زیر پوست و غبغب طلانی شاه و شاهکارهایش انبار شده است. خدا از آنها پیمان گرفته بود که بر «گرسنگی مظلوم» و «سیری و شکم‌پری ظالم» صبر نکنند و با سلاح همین پیمان بود که قیام کردند و با درک خدائی ناشی از همین تعهد بود که انقلاب را به پیروزی رساندند، هر چند آمریکا حدس می‌زد که شاه دیگر یائسه است و پیر سگی است که دیگر توان دریدن و پارس کردن ندارد اما نه تنها تا آخرین روزها از وی - به اعتراف خود شاه - حمایت کرد و قلاده‌اش را در دست داشت، بلکه تمایل داشت که در نهایت به جای وی جماعتی را بر سر کار آورد که از جنس خودش باشند. و حکایت «بختیار» چنین بود اما خدای را شکر که هیچ کدام نشد و پس از این نیز تا فریادهای «الله اکبر، خمینی رهبر» در سرسرای ایران زمین طنین انداز است چنین نخواهد شد.



# شاه مخلوع به ایالتی در آفریقای جنوبی دعوت شد

نخستین سفر به آفریقای جنوبی در تاریخ اخیر است. شاه مخلوع در روزهای ۱۰ و ۱۱ آبان ماه در جریان سفر خود به ایالتی در آفریقای جنوبی دعوت شد. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود. شاه مخلوع در این سفر به ایالتی در آفریقای جنوبی دعوت شد که در این ایالت حکومت می‌کند و شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود.

روزنامه‌های آفریقای جنوبی در شماره‌های خود از آمدن شاه مخلوع به این ایالت خبر دادند. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود.

کتاب مبلوط در جنوب و شاه مخلوع موی خدمت که در نام خانوادگی می‌باشد از جنوب کامل خبر می‌دهد و برای همیشه در اینجا باقی می‌ماند. شاه مخلوع به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود.

کتاب مبلوط در جنوب و شاه مخلوع موی خدمت که در نام خانوادگی می‌باشد از جنوب کامل خبر می‌دهد و برای همیشه در اینجا باقی می‌ماند. شاه مخلوع به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود.



پیش‌بینی‌های روزگار در مورد شاه مخلوع در آفریقای جنوبی و دعوت او به ایالتی در آفریقای جنوبی. شاه مخلوع در این سفر به همراه همسرش و دو فرزند کوچکش به همراه یک گروه از محافظان و خدمتکاران به این سفر می‌رود.

## حقایق دیگر

موقعی که شاه و ملکه بدون اعتناء به صف مستقبلین به سوی اتومبیل‌هایشان رفتند، دکتر لقمان ادهم زمزمه‌ای در گوش شاه کرد، شاه مسیرش را تغییر داد شاه و ملکه هر یک به سوئی رفتند!

مسأله شگفت‌انگیز از نظر من این بود که چرا شاه و ملکه از هم جدا شدند و هر یک با اتومبیل خود به طرفی رفت: شاه با اتومبیل فراری و فرح با رولز رویس... در آن لحظه هیچ یک از اعضای سفارت خانه نفهمید به چه دلیل شاه و ملکه همسفر شبیشان و مسیرشان دوتا شد؟... اما این معما شب برایم حل شد. شب محرمانه از سفیر شنیدم که شاه از فرودگاه مستقیماً عازم محل اقامت یکی از ستارگان معروف سینما شد و تمام ساعات بعدازظهر را با او گذراند...

- زمانی که شاه و ملکه برای اولین مرتبه - بعد از خرید و آماده سازی ویلای سوورتا در سوئیس - از آن دیدار می‌کردند، شاه در بدو ورود به اتاق خواب بسیار شیک و مجلل با لحنی نیمه شوخی به سفیر گفت:

- مگر فکر کردی من و شهبانو در یک اتاق می‌خوابیم؟ در حالی که ملکه از این گفته ناخوشایند شاه آشکارا ناراحت شده بود. ژنرال ایادی و اسدالله علم به نشانه تأیید گفتار شاه تعظیم کردند، بعد هم سفیر را مورد سرزنش قرار دادند!!

سفیر که معلوم نبود بعد از یک دهه ریاست تشریفات دربار چگونه آن اشتباه فاحش را مرتکب شده، در پی نقل این موضوع برایم تعریف کرد:

- روال قصر سلطنتی این بود که شبها شاه و ملکه هر یک در آپارتمان جداگانه می‌خوابیدند، آپارتمان ویژه!!

از این رو در سوورتا هم دو اتاق مجزا برای هر یک تعیین شد که روال بهم نخورد و رسم شکسته نشود!!

گفته‌های خانم مینو صمیمی به عنوان ناظر و شاهد بر اوضاع دربار خط بطلانی بر ادعاهای فرح و مادرش خانم فریده دیبا در مورد نحوه گذراندن اوقات و صرف وقت و دیگر «زحمات» می‌نماید:

تصورم قویاً این بود که ملکه فرح چون ثروت بیشماری به دست آورده بود و از موقعیت سیاسی استثنایی نیز برخوردار می‌شد، جهت حفظ این دو دستاورد چاره‌ای جز تظاهر به طرفداری و تأیید شاه را نداشت و تمام اعمال خلاف، حتی در رابطه با خودش را نادیده می‌گرفت: به عنوان نمونه در سال اول خدمتم شاهد بودم در فرودگاه زوریخ شاه بلافاصله بعد از پیاده شدن از هواپیما به اتفاق اسدالله علم با یک اتومبیل جدا از ملکه به نقطه‌ای رفت و با یک ستاره سینما ساعاتی را گذراند. هیچ دلیلی ندیدم که فکر کنم فرح از مقصد و هدف شاه بی‌اطلاع باشد اما ناگزیر لب فرو می‌بست.

این گونه رفتار شوهرها اثرات سوئی بر زنان - از هر طبقه و دسته و خانواده - بر جای می‌نهد چون زنی که نسبت به خیانت شوهرش ساکت بماند بی‌گمان خود نیز انگیزه‌هایی در سر می‌پروراند که عینیت آن را در این مورد هم شخصاً به طور مستند خواهیم خواند:

و در مورد صرف اوقات طبق ادعای فرح که می‌گوید لحظاتی از فرزندانش غفلت نمی‌کنم:

... موقعی که مسایل خانوادگی شاه را در ذهن مرور می‌کردم به یاد فرزندانش افتادم که در تهران به سر می‌برند و چهار پرستار اروپایی زیر نظر مادر فرح از آنها نگهداری می‌کردند. پرستاری کوچکترین عضو خانواده (لیلا) به یک دختر سیاستمدار سوئیسی به نام روژه بوون بود، جالب است بدانیم این شخص به علت همین عمل مورد تحقیر جامعه سوئیس قرار گرفت. روژه بوون وقتی خواست در دانشگاه زوریخ در مورد وضعیت اقتصادی سوئیس صحبت کند دانشجویان با پرتاب گوجه فرنگی به طرف وی: «ای مزدور پهلوی برو از دربار حقوق بگیر» به وی اعتراض نمودند.

ملکه هیچ فرصتی برای رسیدگی به امور کودکان نداشت و شاه هم که به طور کلی مرد خانواده محسوب نمی‌شد...

شاه و ملکه فقط هنگامی در کنار فرزندانشان دیده می‌شدند که می‌خواستند با هم عکس بگیرند.

فرح دیبا برخلاف ثریا که زیاد با یاران خود نمی‌جوشید و یا یارانی نداشت که با آنان جوش بخورد، اطراف فرح به علت محیط پرورشی مختلف و در میان مردم بودن وی در

ایام نوجوانی، دوستان زیادی جمع می‌شدند. از دوستان دوران دبستان گرفته تا دبیرستان و دانشکده در پاریس. اگر با دقت خاص به دفترچه خاطرات و یادگارهایی که در آن نوشته نظر بیفکنیم نام بعضی از یاران دوران دبستان را در لیست دوستان صمیمی فرح می‌بینیم، به علاوه در همان جمع و یا کمی دور در مشاغل نان و آبدار، افراد فامیل فرح جای خاصی دارند. به عنوان نمونه، آقای رضا قطبی، دیباهای گوناگون در رأس مشاغل کلیدی و یا دوستان نزدیک مثل لیلی ارجمند، که در زمان قبل از ازدواج لیلی جهان آرا بود. لیلی جهان آرا از جمله افرادی بود که در زندگی فرح نقشهای متفاوت داشت و هم او بود که بزرگترین ضربه را در دوران دربه‌داری به دوست دیرین خود زد و نمکدان را شکست!

این خانم خیلی سعی داشت اولاً از شیوه زندگی، لباس، آرایش مو، ژست و حرکات فرح دیبای ثانی باشد. ماجرای شنیدنی وی به زمان تبعید فرح مربوط می‌شود که گرچه زود است از آن سخن رود اما چون ممکن است جایی برای آن بحث در صفحات بعدی نباشد در همین جا بدان اشاره می‌کنیم:

بر کسی پوشیده نیست خاندان سلطنتی نخستین محموله‌ای را که از ایران خارج کردند جواهرات و زینت‌آلات قیمتی بود. همین جواهرات شکاف فاحشی بین یاران فراری انداخت و نقاب دوستی نمائی را از چهره‌شان برداشت. برای روشن شدن این موضوع از یک سند و نوشته مستند از طرف شخصی که با موضوع رابطه تنگاتنگ داشته بهر می‌گیریم.



لیلی امیرارجمند به نوشته احمد انصاری خودش را از هر جهت شبیه فرح درمی آورد، در این عکس این ادعا کاملاً واضح به چشم می خورد، در کنار شاه سمت راست وی به آرایش موی وی و نحوه آرایش بنگرید... اما همین شبیح بود که در لباس روح جواهرات «همزاد» خود را دزدید...

(سن موریتس: زمستان ۱۳۵۲): نشسته از راست به چپ: ویکتور امانوئل (ولیعهد سابق ایتالیا، ردیف دوم و هابزاده (پسر، که در تصادف اتومبیل درگذشت)، همسر محمود زنگنه، همسر امانوئل، شهرام بهلوی نیا، محمود زنگنه، الی انبیادیس، فرح بهلوی، کنستانتین پادشاه سابق یونان و همسرش، انصاری، سردار افخمی- بهبهانیان.



در همین روزها بود که فرح تماس گرفت و خواست در حل مشکلی که تا آن زمان نزدیک یک میلیون و پانصد هزار دلار دستمزد وکیل داده و به جایی نرسیده بود یاری اش کنم و آن مسئله جواهراتی بود که زمانی متعلق به شمس بود و در جریان دعوای حاصل از فروش آن یکی از بهترین دوستان قدیمی فرح، یعنی لیلی امیرارجمند، را در جبهه مخالف او قرار داده.

می دانید که موقع ترک وطن، شاه و خانواده اش مقدار زیادی از جواهرات خود را به همراه آوردند. از جمله شاه به همراه اثاثیه خود چهار جعبه جواهرات آورد که استوار شهبازی، که همراه خانم دیبا، مادر فرح جواهرات را برای امانت سپردن به بانک سوئیس برده بود، به من گفت که جواهرات در چهار جعبه بزرگ، هر یک به اندازه نیم قد انسان بود، البته این جواهرات خود شاه و فرح بود، والا والا حضرتها جواهرات خود را به طور جداگانه ای آورده بودند. به ویژه اشرف که همانگونه که پیشتر ذکر شد پیش از اوج گیری انقلاب از ایران خارج شده بود و به همین سبب هم سر فرصت عمده جواهرات خود را از ایران خارج کرده بود. همچنین ملکه مادر هم که حدود یک سالی قبل از انقلاب به لندن آمده بود، بیشتر جواهرات خود را در همان زمان همراه آورده بود. اما شمس پس از خروج از ایران از وضع مالیش گلایه داشت، هر چند این گلایه های مالی عادت دیرینه او بود.

به هر حال، شمس پیش مادر رفته و از نداری گلایه کرده بود، ملکه مادر هم مقداری جواهر به او داده بود. زمانی که شاه در باهاما بود شمس جواهرات را نزد برادر آورده و به او به مبلغ ده میلیون دلار فروخته بود. شاه هم هفت میلیون دلار به او نقد داده و سه میلیون دلار بقیه را حواله به فروش جواهرات کرده بود.

برای فروش جواهرات به دستور شاه یک شرکت به نام stone star (ستاره سنگی) و در مجمع الجزایر آنتیلیس از مستعمره های کشور هلند تأسیس شده بود. زیرا شرکتهای آنجا دو مزیت داشتند، یکی آن که سهام آنها بی نام بود و دیگری آن که از پرداخت مالیات معاف بودند.

شرکتهای این مجمع الجزایر توسط خانواده ای به نام اسمیت تأسیس می شوند. بدین ترتیب که خانواده اسمیت شرکتی به نام Citco دارند که تحت لوای آن این شرکتها را

برای سرمایه‌داران نقاط مختلف جهان ایجاد و اداره می‌کنند، این گونه شرکتها را ساحلی یا offshore گویند و به همین جهت به هیچ کشوری نباید حساب و کتاب و یا مالیات بدهند.

پس از ثبت جواهرات به نام «شرکت ستاره سنگی» از جواهر فروشهای بین‌المللی برای ارزیابی و عهده گرفتن فروش آن جواهرات دعوت شده بود. از آن میان شخصی به نام جاوری که یک جواهر فروش هندی بود، بالاترین قیمت را پیشنهاد کرده بود. بدین ترتیب جواهرات برای فروش در اختیار او گذاشته شد. این شخص که در چندین کشور به کار فروش جواهر مشغول بود، در ایالت تکزاس هم شرکتی داشت که دکتر گنجی در آن زمان در آنجا کار می‌کرد.

جاوری به دنبال فروش جواهرات رفت اما این کار به طول انجامیده و عمر شاه به دیدن پایان ماجرا کفاف نداد به هر حال، جواهر فروش هندی بخشی از جواهرات را فروخته بود و از فروش آن نخست سه میلیون دلار بدهی شمس را پرداخته بود و بعد پیشنهاد کرده بود که ضمن فروش بقیه جواهرات دیگری که فرح در اختیار او گذاشته بود، با پولی که به دست می‌آورد برای ورثه شاه در بازار تجارت بین‌المللی جواهرات به تجارت بپردازد و از معاملات سود بیشتری نصیب آنان کند که مورد قبول فرح واقع شده بود.

در این رفت و آمدها جوان هندی توانسته بود دل خانم لیلی امیرارجمند، دوست نزدیک فرح را به دست آورد. لیلی زن نسبتاً زیبا و دلربایی بود که سالها ریاست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را بر عهده داشت. امیرارجمند شوهر او از طریق همسرش، که عضو ثابت جلسات خصوصی فرح بود، به حلقه یاران خصوصی دربار درآمده و گاه در میهمانیها و مجالس درباری شرکت می‌کرد. به هر حال ستیزی نابرابر میان عاشق پر تمنا و شوهر چندین ساله آغاز شده بود. یک سو مردی بود خوش پوش و مرفه با درآمد کافی و زندگی جا افتاده در سرزمین غرب، که می‌توانست هدیه‌های گرانبه‌نثار معشوق کند و او را به هتلهای گرانبه‌نقیمت ببرد و در سوی دیگر این نبرد شوهری که رئیس سابق امور دانشجویان دانشگاه تهران بود و با توشه مالی کمی از وطن گریخته بود و مثل دیگر گریختگان گیج و سرگشته از ضربه ناگهانی سقوط



حکومت شاه نگران آینده نامعلوم و پر اضطرابش بود، شرایطی که بسیاری از خانواده‌ها در زیر فشارش از هم پاشیده شدند. به هر حال طوفان آن عشق دژ فرسوده این ازدواج را بهم ریخته بود و لیلی ترک شوهر کرده و در خدمت دلدار هندی خود که ظاهراً جواهرفروشی مجلی در نیویورک داشت درآمده بود.

چندی نگذشت که بازار بین‌المللی جواهرات از رونق افتاد. فرح نیز کم‌کم به جاوری بدبین شد و از معاملات او خرسند نبود، لذا جواهرات باقیمانده و بقیه پولی را که در دست جاوری بود طلب کرد. جاوری مدعی شد که در سفری که به لندن برای فروش مقداری از جواهرات کرده بود، عیاران بین‌المللی جواهراتی را که همراه او بوده دزدیده بودند. لذا اختلاف بین فرح و جاوری بالا گرفته بود. علاوه بر آن جاوری در قراری که با کریستوفر اسمیت، رئیس شرکت Citco در آمستردام، برای تحویل پولها و جواهرات گذاشته بود از دادن بخشی از جواهرات خودداری کرد و اسمیت ناچار شده بود از طریق مراجع قضائی آنها را پس بگیرد. همین امر آب را بیشتر گل آلود کرده و به دنبال آن بازار وکلای دو طرف داغ شده بود. فرح و اسمیت از جانب دادگاه بر علیه جاوری اقامه دعوا کرده بودند. در نیویورک که محل جواهر فروشی جاوری و لیلی بود، در ژنو که محل اقامت جاوری اقامه دعوا کرده بودند و در آمستردام که مرکز جواهرات بود.

از آن سوی جاوری نیز که مدعی بی‌گناهی بود از دست اینان شکایت کرده و مدعی شده بود که اینان به جای پذیرش واقعیت سقوط بازار بین‌المللی جواهرات و خسارات حاصله و قبول دزدی جواهرات که پلیس انگلستان در جریان آن قرار گرفته بود، به او اتهام دزدی و خیانت در امانت زده و از این رهگذر خسارت سنگینی بر تجارت و اعتبار بین‌المللی او وارد آورده بودند. البته بر روال معمول برنده اصلی وکلای گران و پرهزینه دو طرف بودند. تا تابستان ۱۹۸۷ که فرح برای حل دعوا از من یاری خواست صورت حساب وکلای فرح رقمی بیش از یک میلیون و پانصد هزار دلار را نشان می‌داد. در تمام این مدت فرح و وارثان شاه لحظه‌ای نیندیشیده بودند که چگونه برای اثبات ادعای خود می‌توانند در دادگاه حاضر شوند و اجازه دهند که وکلای طرف دعوا آنان را در جایگاه به زیر شلاق بیرحمانه‌ترین سؤالات بکشند و خبرنگاران از آن داستانها بسازند و با توجه به حساسیت جهان نسبت به اخبار ایران این خبر داغ را از طریق صفحات اول

روزنامه‌ها و آنتن رادیو و تلویزیونها به گوش جهانیان برسانند.

به هر حال از آقای واگنر وکیل خودم خواستم که پا در میان بگذارد و به نوعی فرح و دیگران را از شر این افتضاح خلاص کند، که بالاخره با دادن دویست هزار دلار به جاوری ماجرا خاتمه یافت. آنچه از این ستیز بی‌حاصل نصیب وارثان شاه شد، به جز سه میلیونی که به شمس رسید، چهار میلیون دلار دیگر بود. از این چهار میلیون دلار هم حدود دو میلیون دلار خرج وکیل و پرداخت غرامت شد. به این ترتیب در ازای هفت میلیون دلاری که شهاد داده بود ۲ میلیون دلار نصیب ورثه او شد، و این پرونده با خسارت پنج میلیون دلار و چند سال درگیری و از دست رفتن یک دوست دیرین بسته شد.

## فهرست اعلام

### آ

اسفندیاری بختیاری سردار اسعد ۱۴۵، ۱۴۷	آتاتورک ۲۳، ۴۰
اسفندیاری بختیاری سردار اقبال ۱۴۶	آدولف هیتلر ۴۰
اسفندیاری بختیاری سردار فاتح ۱۴۶	آرماتو رابرت ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۳۹
اسفندیاری بختیاری علیمردان خان ۱۴۶	آموزگار جمشید ۴۳۹
اسفندیاری بختیاری علیقی خان ۱۴۵	آنتوانت پوایون مارکینز ۱۹۲
اسفندیاری بختیاری محمدجوادخان ۱۴۶	آنی بریه ۱۲۸
اسفندیاری بختیاری ملک‌شاه ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶	آلما ۱۴۰، ۱۴۱
اسفندیاری بختیاری گودرز ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵	
اسفندیاری سروان ۴۶	
اسکارلت ۱۵۲، ۱۸۸	

### الف

اشرف پهلوی ۱۸۵، ۱۸۶، ۴۳۹	احمدشاه قاجار ۲۲
اصفیا صفی ۲۷۶، ۴۳۹	احمدی پزشکی ۱۴۵
اعلم مجید ۲۸۰	ادریس بابسی احمد ۲۰۲، ۲۰۷
اعلم مظفر ۲۳	ارس رشدی ۲۳، ۳۲، ۳۳
افخمی مهناز ۴۳۹	ارنست پرون، نگاه کنید به پرون
افشار دکتر امیراصلان ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۴	ازهارى ۳۲۳
اقبال منوچهر ۱۸۱	استیو اکسمن ۲۹۸
الکساندر دوم ۱۴۱	اسفندیاری بختیاری ابوالقاسم خان ۱۴۳، ۱۵۲
الی خانم منتل ۱۴۹، ۱۵۰	۱۸۰، ۱۸۱
الیاسی محمود ۲۹۵، ۳۴۷	اسفندیاری ۱۵۱
امامی تقی ۶۰، ۶۱، ۶۲	اسفندیاری بختیاری بیژن ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۸۸، ۱۹۲
امبلراس ۳۴۰، ۳۴۱	اسفندیاری بختیاری ثریا ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
امجدخان ۲۵۰	۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳
امیر ارجمند لیلی ۲۴۹، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۴۷	۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۲
۴۲۶، ۴۲۸	۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۲۴
امیر زید ۴۶	۲۳۱، ۲۴۵
امیر عبدالله ۴۶	اسفندیاری بختیاری بهمن خان ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲
امیر علایی فتح‌الله ۶۰، ۶۱	جعفرقلی خان ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۴
امینی سرهنگ ۸۵، ۸۷، ۱۸۷	اسفندیاری بختیاری خلیل ۱۳۹، ۱۸۳

- امینی کفیل وزارت امور خارجی ۱۶۸  
انتظام عبدالله ۴۴۲  
انصاری احمد مسعودی ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۳۱۱  
اوا ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳  
اوانس ۱۴۷  
اورسن ولر ۱۲۷  
اوگوست کنت ۲۱۰  
اویسی ۳۲۳  
اهرمان ۱۵۹، ۲۰۳  
ایادی ۱۵۹  
ایزدی علی ۴۶  
ایتگیرید پرنسس ۲۲  
ایوب بیک علی ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴
- ب**
- باربارا ۱۳۹، ۱۴۱  
بارونس ژاسپار ۷۱  
بارونس دورتی ۵۴، ۵۶  
بختیار ۲۳۹، ۳۲۳، ۴۰۴  
بدره‌ای ۳۹۵، ۳۹۸  
برنارد دوسن پسر ۱۴۷  
بولنون دوتراس ۱۴۷  
بی چون ۳۴۰  
بیگلری سرلشکر ۳۹۵
- پ**
- پاتریک علی ۱۶۷  
پالیزبان ۳۲۳  
پرون ارنست ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۱۸۸  
پزشک احمدی ۱۴۵  
پل دوکک ۱۴۷
- پهلبد ۴۳۹  
پهلوی: اشرف = نگاه کنید به اشرف  
پهلوی تاج‌الملوک ۶۱، ۱۶۰  
پهلوی رضا، حمیدرضا ۳۱۱  
پهلوی رضاشاه ۳۹، ۴۶، ۵۷، ۸۹، ۹۰، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۱، ۲۵۵  
پهلوی شهناز ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۲  
پهلوی شمس ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۵۲  
پهلوی عبدالرضا ۶۵، ۱۶۹، ۱۹۶  
پهلوی علیرضا (برادر) ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۸۱  
پهلوی علیرضای دوم ۲۵۵  
پهلوی غلامرضا ۶۵، ۱۶۹، ۱۸۸، ۱۹۶  
پهلوی فرهناز ۲۵۵  
پهلوی لیلا ۲۵۵  
پهلوی محمدرضا در اغلب صفحات  
پیر بالمن ۱۵۷  
پور شجاع امیر ۲۹۵  
پیرنیالوسی ۱۸۸، ۲۶۶  
پیریکارد ۱۴۷
- ت**
- تاج‌الملوک = پهلوی ۱۶۶، ۱۶۷  
تورینخوس ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸  
۳۳۹، ۳۴۱  
تهرانی سید جلال ۴۵۵
- ث**
- ثابت ۸۴  
ثریا، نگاه کنید به اسفندیاری بختیاری
- ج**
- جرالدفوررد ۴۱۶، ۴۱۷

- جرجی زیدان ۱۴۷  
 جردن ژنرال ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۴  
 جعفری شعبان ۳۲۳  
 جعفریان بقراط ۳۹۷  
 جم محمود ۳۴، ۳۶، ۴۱، ۴۴، ۸۶، ۸۷  
 جم فریدون ۲۷۴  
 جهان آرائیلی ۴۲۶  
 جهان بینی - سرهنگ کیومرث ۲۹۵، ۳۲۲، ۳۳۸  
 جوادی فریدون ۳۴۷، ۳۴۸  
 جورج ششم ۴۰
- چ**  
 چارلی چاپلین ۱۴۱  
 چارلی گودل ۲۰۷، ۳۰۱  
 چرچیل ۴۴۳
- ح**  
 حاج محتشم السلطنه ۴۶  
 حاج محمدی حمیدالله ۳۹۵  
 حسین رمزی فریق ۱۲۸  
 حسین سری پاشا ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱  
 حسین فراش ۲۴۷
- خ**  
 خاله ابهر ۲۴۸  
 خان باباخان ۱۴۸  
 خاله امجد ۲۵۰  
 خاله قمر ۲۲۳، ۲۴۵  
 خانم والترز ۲۸۰  
 خسرو دادتیمار ۳۹۷  
 خلخالی شیخ صادق ۳۲۳  
 خلعتبری عباس ۴۳۹
- خمینی آیت الله (امام خمینی) در بیشتر صفحات  
 خوانساری آیت الله سیداحمد ۲۷۶
- د**  
 دانی جان سرهنگ ۲۵۰  
 دانی نکو ۳۰۱  
 داد مرز ابراهیم ۳۷  
 دامین ۷۱  
 دریا بیگی ۲۴۰  
 دینودلارانتیس ۱۸۹  
 دهنخدا ۷۶  
 دوگل ۴۴۳  
 دیبا سهراب ۲۲۷  
 دیبا فرح ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶  
 در اغلب صفحات قسمت سوم کتاب  
 دیبا فریده ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۵۲  
 دیبا مهندس ۲۴۸  
 دوپمپادو ۱۹۷  
 دیوسالار ۵۸، ۵۹
- ذ**  
 ذوالفقار پاشا یوسف ۲۵، ۶۹
- ر**  
 رابرت تونت جونز ۲۹۸  
 راد احمد ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱  
 رامینا ۲۴۷  
 رحیمی ۳۹۷  
 رزم آرا ۲۲۲  
 رشاد - دکتر ناهید ۱۰۶  
 رضاشاه - نگاه کنید به پهلوی  
 رفعتیان سرهنگ ۵۹

- رمزی کلارک ۳۰۵  
 رمزی پاشا ۱۱۷  
 روف محمدعلی ۱۱۷  
 ریاض عالی ۱۲۸  
 ریتا هیورث ۱۲۷  
 رینو دولانو ۱۷۰  
 رییس انوشیروان ۲۷۵
- ز**
- زاهدی اردشیر ۲۲۸، ۴۴۲  
 ژاسپار ۷۱  
 ژاک فات ۱۵۷  
 ژاندارک ۱۶۵، ۲۲۴، ۲۳۱  
 ژنرال شورانسکف ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹  
 ژنرال عمر فتحی پاشا ۷۲، ۷۴  
 ژنرال گراتزیانی ۵۱  
 ژنرال نجیب ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸
- ژ**
- ژاسپار ۷۱  
 ژاک فات ۱۵۷  
 ژاندارک ۱۶۵، ۲۲۴، ۲۳۱  
 ژنرال شورانسکف ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹  
 ژنرال عمر فتحی پاشا ۷۲، ۷۴  
 ژنرال گراتزیانی ۵۱  
 ژنرال نجیب ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸
- س**
- سادات انور ۱۷۶، ۲۶۷، ۳۱۴  
 سادات جهان ۲۹۶  
 سالار اعظم محمدخان ۱۴۷، ۱۴۸  
 ساعدالسلطنه ۱۲۴  
 سالم محمد نجیب پاشا ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲  
 ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱  
 سپهبدی فرهاد ۳۰۶، ۴۷۲  
 سرپاس مختاری ۱۴۵  
 سرمدی صادق ۷۶، ۷۷، ۷۸  
 سرید ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۵  
 سرهنگ سیاسی ۱۴۵
- سعد زغلول ۶۶، ۶۷، ۶۹  
 سعید دکتر جواد ۳۳۲  
 سلطان عثمانی ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۷۳  
 سلطنت خانم ۱۴۹  
 سلیمان عبدالحمید ۶۹، ۱۴۷  
 سمیعی حسین ادیب السلطنه ۲۹، ۳۰، ۴۹  
 سمیعی مدبر السلطنه ۲۵  
 سهیلی ۲۳، ۳۷، ۴۴  
 سبثون ۲۹۷، ۲۹۸  
 سینکی ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۹
- ش**
- شاردن ۱۴۷  
 شاه حسن ملک حسن دوم ۱۳۲، ۲۷۰، ۲۷۸، ۴۱۷  
 شاه صفی ۱۴۷  
 شرلی ۱۳۲  
 شکوه حسین ۳۴، ۳۶، ۸۷، ۸۸، ۹۲، ۱۱۱  
 شعری ۲۴۶  
 شفقت ۳۹۴  
 شفیق احمد ۶۵، ۷۹، ۸۰  
 شفیق خانم (اشرف) ۱۸۶  
 شوکراس ویلیام ۳۲۷  
 شهبازی گروهیان علی ۲۹۵  
 شیخ الاسلام ۴۳۹  
 شیرین بیک سرهنگ اسماعیل ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰  
 ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷  
 شیخ لکیز ۳۱  
 شوارشکف ۱۷۷، ۱۷۸  
 شیوه کار ۱۰۳
- ص**
- صافی ناز ۲۵

صالحی مرتضی ۴۳۹

صبری پاشا شریف ۳۴

صفاری پروین ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۵

عمه فمر ۲۴۰

عنایت‌الله ۲۶

عین‌الملک حبیب‌الله ۲۳۲، ۱۴۷

## ض

ضرابی فرح ۲۴۹

ضیاءالسلطان - محمدتقی ۱۴۷

ضیاءالدین منشی ۱۴۷

## غ

غنی سیروس دکتر ۲۳، ۱۱۶

غنی دکتر قاسم ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۲

## ط

طاهری آیت‌الله (امام جمعه اصفهان) ۴۱۶

طاهر میرزا محمد ۱۴۷

طبری احسان ۲۷۵

طلعت پاشا عبدالطیف ۸۹

طوفانیان ۲۵۳

عبدالحسین میرزا ۱۴۸

عبدالحمید سلیمان پاشا ۶۹

## ع

عبدالهادی ابراهیم ۹۱، ۱۰۱

علی نقراشی پاشا ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳

عبدالفتاح یحیی پاشا ۴۴

عزیز عزت پاشا ۲۶

عسل بیگ ۱۲۱

عطاءالله پاشا ۷۲، ۷۴، ۷۵

عظیمی ارتشید ۴۳۹

علاء ۸۷، ۱۱۴، ۱۱۵

علم ۲۵۳، ۴۲۴، ۴۲۵

علیرضا مترجم ۱۴۷

علی ماهر پاشا ۳۴، ۶۶

عمر پاشا ۷۲، ۷۴، ۷۵

عمه پروین ۲۴۰

## ف

فائزه ۱۲۸

فائقه ۱۲۸

فراغ حاج سیدمعطفی ۳۳۸

فاروق ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸

فتحیه ۲۵، ۱۲۸

فخری پاشا ۱۰۳

فدوی نجیب‌پاشا ۱۰۵

فرانس کارل ۱۳۹، ۱۴۱

فرانکو ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳

فربال ۲۵

فردوست ارتشید حسین ۲۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱

فردوست نصرت‌الله سپهبد (برادر) ۲۷۸

فروغ ظفر ۱۶۰، ۱۶۱

فروهر دکتر عبدالله ۴۶

فریده ملکه فلاح ۶۶، ۹۲، ۹۹

فؤاد صادق ۱۲۸

فؤاد ملک پاشا مصر ۴۰، ۴۵، ۶۵، ۸۳، ۸۹، ۹۰

۱۰۳

فوزیه ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳

۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹

فوقیه ۲۵، ۱۰۳

فهمی نقراشی پاشا محمود ۹۰، ۹۱

گلیپایگانی موحد قسمی ۳۳۸

گلنار ۳۱

گنجی منوچہر ۴۳۹

گوروش کبیر ۱۴۷

فیدل کاسترو ۳۲۲

فیروز مند نصرت اللہ ۲۵۱

## ق

قدیمی ۳۲

قرہ باغی ۳۹۷

قرہ گزلو محسن ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۱۴، ۱۶۳

قراقزلو منوچہر ۱۶۵

قزوینی محمد ۷۶

قشقایی ناصر ۱۱۵

قطبی ثریا ۲۴۹

قطبی رضا ۲۴۱، ۲۷۴

قطبی محمد علی ۲۷۴

## ل

لطفی محمد ۳۸

لقمان دکتر ۴۲۴

لویی پانزدہم ۱۷۹

لوئیز جون ۲۴۴، ۲۴۵

لوید کاتلر ۲۹۸، ۳۱۷

لیلی بنت صحرا ۳۱، ۳۳

## م

مادام اشرف ۲۲۴

مادام بدری ۲۲۲

مادام پلوسیانی ۲۴۰، ۲۴۵

مادام پامبدون ۱۶۵

مادموزال کاترین ۱۷۳، ۱۹۲

ماری لوئیز ۱۷۳، ۱۹۲

مارک موس ۳۰۶

متین دفتری احمد ۴۶

مجد الملک دوم ۳۱

محمد علی پرنسس ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰

محمد علی شاہ قاجار ۴۳، ۲۱۳

محمد علی کبیر ۴۸

مسعودی جواد ۷۷

مسعودی عباس ۴۶

میو وینسلر ۵۲

مصدق دکتر محمد ۱۹۹، ۲۰۰

مصطفی شاہ قاجار ۱۳۰

مظفر الدین شاہ قاجار ۱۳۰

## ک

کارل ۱۳۹، ۱۴۰

کاشفی محمود ۴۳۹

کاظمی سید باقر (مہذب الدولہ) ۳۰

کبیری علی ۲۶۲

کنیہ ۳۱۱

کریستین دیور ۱۵۷

کسری ۳۰

کلارک گیبل ۱۵۲

کنستانتین ۵۳، ۲۹۷

کلمن دکتر ۳۲۷

کیانپور غلامرضا ۴۳۹

کیدو اورلاندو ۱۲۷

## گ

گابریل لوئیس ۳۴۰

گزنفون ۱۴۷

گلبن محمد ۱۴۵



- معمدی کریم ۳۸۳  
معتضدی ۴۶  
معزی بهزاد سرهنگ ۲۸۹  
منش ضیاءالدین ۳۰۲  
منور خانم ۲۰۰  
معینی امیر قاسم ۴۳۹  
معینیان ۳۸۴  
مقدم محمد علی ۴۶  
ملک قاضی ۴۶، ۴۰  
ملکه نازلی ۴۷، ۴۱، ۳۹  
ملکه ماری آنتوانت ۱۱۸  
مهناز ۴۶  
می می مدار ۱۲۶
- و**  
واگتر ۴۹۷  
والترز خانم ۳۱۱  
ولیان عبدالعظیم ۳۹۵، ۳۹۴  
ویکتوریا خام ۲۴۵  
ویلهم دوم ۴۷  
ویلیام شوکراس ۲۸۸
- ه**  
هانری سوم ۱۴۷  
همایون فر دکتور ۱۹۸  
هندرسن ۱۸۰  
هویدا ۳۲۳  
هیرو هیتو ۴۰
- ن**  
ناپلئون بناپارت ۲۸۲، ۷۶  
ناجی ۳۴۱  
نادیه ۱۱۷  
ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۰  
نحاس پاشا ۲۸  
نشاط ابراهیم ۱۴۷  
نصر اصفهانی - اسدالله ۴۳۹  
نصیری تیمسار ۳۹۷  
نفیسی - دکتور مؤدب ۴۶، ۳۸، ۳۷، ۳۶  
نوریه گا ۳۴۲
- ی**  
یاسمی رشید ۳۷  
یزدان پناه ۸۵، ۱۰۸، ۱۱۴  
یزدان نویسی ۲۹۵  
یگانگی فیروز ۲۵۰  
یگانه محمد ۴۳۹  
یوسف ذوالفقار پاشا ۲۵  
یوسف شریفی ۱۴۵، ۱۴۰، ۶۶

Reza.Golshah.com

Reza.Golshah.com



کتاب



شابک: ۹۸۴ ۶۱۶۲ ۸۱-۹

ISBN: 964-6162-81-9

قیمت

مخزن